

پژوهش‌نامه‌ی آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان

(علمی- پژوهشی)

سال چهارم، شماره‌ی اول (پیاپی ۹)، بهار و تابستان ۱۳۹۴

احساس غربت و سازگاری اجتماعی و رابطه‌ی آنها با یکدیگر در فارسی‌آموزان غیر ایرانی

عبدالجواد احمدی

استادیار روان‌شناسی - دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(۱)

امیررضا وکیلی‌فرد

استادیار آموزش زبان فارسی - دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(۲)

معصومه صفری کرهرودی

کارشناس ارشد روان‌شناسی

چکیده

در فرایند یادگیری زبان دوم/خارجی، تأثیر مسائل عاطفی و روانی را نمی‌توان نادیده انگاشت؛ اهمیت این مسائل را می‌توان از نظریه‌های پژوهشگرانی مانند کرشن (۱۹۸۲) نیز دریافت که با ارائه‌ی فرضیه‌ی «فیلتر عاطفی»، عوامل عاطفی و روانی را به مثابه‌ی یک مانع یا یک عنصر بهبوددهنده در مسیر یادگیری زبان‌آموزان می‌دانند. در همین راستا، پژوهش حاضر نیز به بررسی میزان «احساس غربت» و «سازگاری اجتماعی» و رابطه‌ی آنها با یکدیگر در میان فارسی‌آموزان مرکز آموزش زبان فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(۳) پرداخته است. برای انجام پژوهش، ۱۷۸ فارسی‌آموز (۳۵ دختر و ۱۴۳ پسر) مورد بررسی قرار گرفتند. پرسش‌نامه‌های سازگاری اجتماعی بل (۱۹۶۱) و احساس غربت ون ولیت (۲۰۰۱) ابزارهای این پژوهش بودند. نتایج نشان داد که ۱۲/۹ درصد از فارسی‌آموزان، احساس غربت ضعیف، ۶۴/۷ درصد احساس غربت متوسط و ۲۲/۴ درصد احساس غربت شدید دارند و از نظر سازگاری اجتماعی نیز ۲۴/۷ درصد سازگاری اجتماعی پایین، ۶۲/۵ درصد سازگاری اجتماعی متوسط و ۱۲/۸ درصد سازگاری اجتماعی بالا دارند. همچنین، بین نمره‌ی کل احساس غربت و خرده‌مقیاس (عامل) دلتنگی برای خانواده، بین دختران و پسران تفاوت معناداری وجود دارد، اما بین سازگاری اجتماعی این دو گروه هیچ تفاوت معناداری مشاهده نشد. بررسی رابطه‌ی احساس غربت با سازگاری اجتماعی نیز نشان داد که بین احساس غربت (نمره کل) و خرده‌مقیاس‌های «میل بازگشت به وطن» و «مشکل سازگاری» با سازگاری اجتماعی در فارسی‌آموزان غیرایرانی رابطه‌ی منفی و معنادار وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: احساس غربت، دلتنگی، سازگاری، سازگاری اجتماعی

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۴/۴/۲۴

vakilifard@plc.ikiu.ac.ir

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۲/۵

رایانشانی نویسنده‌ی مسئول (امیررضا وکیلی‌فرد):

۱. مقدمه

دانشجویان بین‌المللی، گروهی از دانشجویان محسوب می‌شوند که به منظور تحصیل در کشوری دیگر برای یک دوره‌ی موقتی کشور خود را ترک می‌کنند. در ۵۰ سال گذشته تعداد این دانشجویان در سراسر جهان رو به افزایش بوده است. بوهیم و همکاران (۲۰۰۲؛ نقل از دون استیل، ۲۰۰۸) گزارش می‌دهند که در سال ۲۰۰۰، ۱/۸ میلیون نفر دانشجوی بین‌المللی در سراسر جهان در مؤسسات آموزش عالی مشغول به تحصیل بودند که پیش‌بینی می‌شود این تعداد در سال ۲۰۲۵ افزایش چهار برابری داشته باشد.

آلتباچ (۱۹۸۵؛ نقل از دون استیل، ۲۰۰۸) اظهار داشته است که دانشجویان بین‌المللی به علل مختلفی کشور خود را برای تحصیل ترک می‌کنند که عبارتند از: دسترسی به بورس تحصیلی، کیفیت پایین نظام آموزشی، عدم امکانات پژوهشی، عدم پذیرش در دانشگاه‌ها، تبعیض علیه اقلیت‌ها و شرایط سیاسی و اجتماعی در کشور متبوع.

دو حوزه‌ی عمده‌ی مشکلات این دانشجویان، احساس غربت و مسائل مرتبط با سازگاری است. «احساس غربت» عبارت است از وضعیت پیچیده‌ی شناختی، انگیزشی و هیجانی خاصی که با اشتغالات ذهنی فراوان در مورد محیط قبلی و تمایل به بازگشت به سمت آن، همراه است و معمولاً با خلق افسرده و علائم مختلف روان‌تنی تجربه می‌شود (اژه‌ای، دهقانی، گنجوی، و خداپناهی، ۱۳۸۷). این پدیده در بین جمعیت دانشجویی متداول است، اما در گروه دانشجویان بین‌المللی، احساس غربت شدیدتر بوده و باعث ایجاد مشکلات روانی و جسمانی شده و حتی به انصراف از تحصیل منجر می‌شود (توربور و والتون، ۲۰۱۲).

بسیاری از پژوهشگران اعتقاد دارند که احساس غربت بر رفتارهای فردی و بهزیستی روانی-اجتماعی اثر می‌گذارد و می‌تواند به اضطراب و افسردگی منجر شود و عملکرد تحصیلی را از طریق شکست‌های شناختی، تمرکز ضعیف، و کاهش کیفیت کار تحت تأثیر قرار دهد. علاوه بر این، فقط در روزهای اول دانشگاه رخ نداده، بلکه در هر نقطه‌ای در طول سال تحصیلی تقریباً رخ می‌دهد و عود می‌کند (ویلیس، استروب، و هیوستون، ۲۰۰۳؛ پوپرزلی و لوپز، ۲۰۰۷).

فقدان مطالعات روی احساس غربت و سازه‌های روان‌شناختی مرتبط با وقوع آن سبب اختلاف قابل توجه پژوهشگران در درک این پدیده شده است. پیشرفت در پژوهش روی این موضوع در دو هدف رشد و بهبود راه‌های درمانی و کمک به دانشجویان برای موفقیت بیشتر تحصیلی و اجتماعی کمک‌کننده بوده و در نتیجه، افت تحصیلی در دانشگاه‌ها را به علت این پدیده کاهش می‌دهد (لونگو، ۲۰۱۰).

علاوه بر احساس غربت، دانشجویان بین‌المللی به خاطر تجربه‌ی تغییرات شدید در عادات فرهنگی، زبان و محیط اطراف، مسائل سازگاری منحصر به فردی نیز دارند. مسائل سازگاری آنان بسته به قومیت، نژاد، مهارت در زبان و تفاوت فرهنگی مانند داشتن فرهنگ جمع‌گرا یا فردگرا متفاوت است و آنها در طول انتقال

اولیه به دانشگاه ناراحتی بیشتری را تجربه کرده و نیازهای تحصیلی و حرفه‌ای بیشتری از دانشجویان بومی دارند (بنتلی، ۲۰۰۸).

بسیاری از پژوهشگران دریافته‌اند که احساس غربت و مسائل مرتبط با سازگاری اجتماعی در دانشجویان بین‌المللی با مهارت زبانی و تسلط آنان بر زبان دوم مرتبط است. به طوری که مهارت کم در زبان، مانع از تعامل این گروه از دانشجویان با مردم کشور میزبان شده و سبب افزایش دلتنگی برای خانواده، دوستان و آشنایان شده و در نتیجه، احساس غربت را در این گروه تشدید کرده و در سازگاری این دانشجویان اثرات منفی دارد (پورایزلی و لویز، ۲۰۰۷؛ سامر، ۲۰۰۹؛ آراجو، ۲۰۱۱ و مالاکلونته و سلان، ۲۰۱۱).

از این رو، پژوهش حاضر با هدف بررسی احساس غربت و سازگاری اجتماعی در فارسی‌آموزان غیر ایرانی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(۵) صورت گرفته است. پرسش‌های اصلی پژوهش نیز این است که «میزان احساس غربت در فارسی‌آموزان غیر ایرانی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(۵) چقدر است و آنها تا چه اندازه از سازگاری اجتماعی برخوردار هستند؟». اطلاعات حاصل از این پژوهش دانش مفیدی را در خصوص این دو متغیر به دست می‌دهد و با شناخت وضعیت احساس غربت و سازگاری اجتماعی این گروه از زبان‌آموزان و قرار دادن اطلاعات و نتایج پژوهش در اختیار مدرسان زبان و مسئولین مربوطه می‌توان در جهت شناسایی مشکلات موجود در زمینه آموزش اقدام نمود و به جهت پیشگیری و رفع این مشکلات برنامه‌ریزی‌های لازم را انجام داد.

۲. پیشینه‌ی پژوهش

تنها پژوهش داخلی در دسترسی که در آن به بررسی مسائل و مشکلات دانشجویان بین‌المللی در ایران پرداخته باشد، پژوهش سموعی، زمانی، لقمانی، نصیری، و توکلی (۲۰۱۳) است. در این مطالعه، شش حوزه‌ی مشکلات دانشجویان شامل حوزه آموزشی، روانی، ارتباطات حمایتی، خانوادگی و وضعیت اقتصادی و فرهنگی_اجتماعی تمام دانشجویان خارجی ورودی سال ۲۰۰۶ در دانشگاه اصفهان مورد بررسی قرار گرفته است. ۹۰ درصد از دانشجویان مورد پژوهش، آسیایی و ۱۰ درصد از دانشجویان غیرآسیایی بودند. طبق نتایج این مطالعه، در حوزه‌ی روانی، ۵۸ درصد افسردگی، و ۵۸ درصد احساس اضطراب داشتند. در حوزه‌ی ارتباطات حمایتی، ۵۶ درصد عدم حمایت عاطفی از سمت ایرانیان، ۵۴ درصد مشکلات ارتباطی با ایرانیان و ۵۴ درصد مشکل در اعتماد به ایرانیان را گزارش کرده‌اند. در حوزه‌ی مشکلات خانوادگی، ۷۲ درصد شکایت از احساس غربت داشته و ۳۲ درصد گزارش کرده‌اند که برای سفر به کشور خود مشکل دارند. در حوزه‌ی مشکلات اقتصادی هم ۳۸ درصد از افزایش هزینه‌های زندگی در ایران و ۹۴ درصد از نداشتن منبع مالی مناسب احساس نگرانی کرده‌اند. در حوزه‌ی سازگاری فرهنگی-اجتماعی نیز ۶۶ درصد در تفاوت فرهنگی و

۵۸ درصد هم در درک سنت‌ها و ارزش‌های ایرانی مشکلاتی داشته‌اند. با توجه به نتایج کلی حاصل از این پژوهش در مجموع، مشکلات فرهنگی-اجتماعی بیشترین میانگین نمره را دارد و بعد از آن مشکلات ارتباطی و اقتصادی قرار می‌گیرند.

اما در خارج از کشور، پژوهش‌های متعددی در زمینه‌ی مسائل و مشکلات دانشجویان از جمله احساس غربت و مسائل مرتبط با سازگاری اجتماعی و چالش‌های مرتبط با آن صورت گرفته است که در این بخش به آنها اشاره می‌شود.

برخی از پژوهش‌هایی که در خصوص احساس غربت انجام شده است، متمرکز بر بررسی ارتباط این متغیر با عواملی مانند حمایت اجتماعی، سن و جنس بوده‌اند که از میان آنها می‌توان به پژوهش ونتیلبرگ، وینگرهاوتس، و ون‌هیک (۱۹۹۷) اشاره کرد که نتایج آن نشان می‌دهد حمایت اجتماعی بالاتر، باعث تجربه‌ی احساس غربت کمتری در افراد می‌شود. همچنین، بر طبق برخی از این پژوهش‌ها رابطه‌ای بین سن و احساس غربت وجود دارد، اما رابطه‌ای خطی نبوده و فقط در گروه‌های سنی خاصی احتمال تجربه احساس غربت بیشتر است (یورلین- بونتکه، برواوزر، و ورسچور، ۲۰۰۰). در خصوص ارتباط جنسیت و احساس غربت نیز نتایج پژوهش‌ها متناقض است. در برخی از پژوهش‌ها مانند پژوهش استروب، ون ولیت، هیوستون، و ویلیس (۲۰۰۲) این گونه مطرح شده است که جنسیت با احساس غربت مرتبط است و دختران بیشتر از پسران احساس غربت را تجربه می‌کنند؛ در حالی که در پژوهش‌های دیگر (فیشر و هود، ۱۹۸۷؛ یورلین-بونتکه و همکاران، ۲۰۰۰؛ اسکاپیلیتی و تی‌بریو، ۲۰۱۰) تفاوت معناداری بین این دو گروه از نظر احساس غربت وجود نداشته است.

جتاوی و بری (۱۹۸۹) در بررسی جمعیت دانشجویان بین‌المللی چینی، فرانسوی، کانادایی و انگلیسی-کانادایی مشغول به تحصیل در کانادا دریافتند که دانشجویان چینی بیشترین تفاوت فرهنگی را تجربه کرده، سطح پایین‌تر سلامت جسمانی و روانی داشته و استرس فرهنگ‌پذیری بیشتری را تجربه می‌کنند و تمایل کمتری برای تعامل اجتماعی با دانشجویان میزبان دارند که این عوامل، زمینه‌ساز تجربه‌ی شدیدتر احساس غربت می‌شود.

لو (۱۹۹۰) در پژوهش خود احساس غربت و سلامت روان ۴۹ دانشجوی بین‌المللی چینی را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسید که ۹۴/۴ درصد از دانشجویان مذکور، احساس غربت را تجربه کردند و احساس غربت تحت تأثیر خواست‌های محیطی قرار دارد. یورلین- بونتکه و همکاران (۲۰۰۰) نیز در بخشی از نتایج پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که احساس غربت ممکن است بسته به کشور مبدأ شخص بروز بیشتری داشته باشد. تفاوت فرهنگی بیشتر بین فرهنگ فرد با فرهنگ میزبان باعث تجربه‌ی بیشتر احساس غربت است.

همچنین یه و اینوس (۲۰۰۳) در پژوهشی ۳۵۲ دانشجوی بین‌المللی را مورد بررسی قرار داده و مطرح می‌کنند که دانشجویان بین‌المللی اروپایی در آمریکا نسبت به دانشجویان آسیایی، آفریقایی و آمریکایی لاتین استرس کمتری در فرهنگ‌پذیری - که احساس غربت یکی از خرده‌مقیاس‌های آن است - تجربه می‌کنند.

استروب و همکاران (۲۰۰۲) تحت پژوهشی با عنوان بررسی احساس غربت در بین دانشجویان دو فرهنگ، دو گروه از دانشجویان جدیدالورود دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه اورتخت هلند (۴۸۲ نفر) و دانشجویان جدیدالورود دانشگاه کاردیف بریتانیا (۲۸۰ نفر) را مورد بررسی قرار دادند. متغیرهای مرتبط با احساس غربت در این تحقیق، افسردگی، عوامل شخصیتی، و وضعیت خانواده بوده است. نتایج نشان می‌دهد احساس غربت در این دو گروه به میزان متفاوتی شیوع داشته و در دانشجویان بریتانیا ۸۰ درصد و در دانشجویان هلندی ۵۰ درصد محاسبه شده است. هر دو عامل شخصیت و وضعیت خانواده بر احساس غربت تأثیر می‌گذراند. همچنین، دانشجویان زن بریتانیایی احساس غربت بیشتری را تجربه کرده‌اند.

پوراویلی و لویز (۲۰۰۷) نیز در بررسی ۱۹۸ دانشجوی بین‌المللی و ۲۴۱ دانشجوی آمریکایی به این نتایج رسیدند که دانشجویان بین‌المللی احساس غربت بالاتری از دانشجویان آمریکایی تجربه می‌کنند و به علت تفاوت‌های فرهنگی و زبانی دوره‌ی دشوارتری را برای سازگاری با محیط جدید می‌گذرانند که این شرایط سخت باعث تشدید دل‌تنگی برای خانواده و دوستان می‌شود. همچنین، یافته‌ها نشان می‌دهد که سطح احساس تبعیض و تسلط بر زبان انگلیسی در دانشجویان بین‌المللی پیش‌بینی‌کننده‌ی احساس غربت است. بر همین اساس، دانشجویان بین‌المللی که تبعیض بیشتری را تجربه کنند به احتمال زیادتری احساس غربت می‌کنند و این که سطح پایین مهارت‌های زبانی باعث تجربه‌ی احساس غربت بیشتری است. در واقع، مهارت‌های زبانی پایین‌تر یک مانع برای دانشجویان بین‌المللی بوده و احتمال روابط دوستی را با مردم کشور میزبان کاهش می‌دهد. در نتیجه احساس غربت افزایش می‌یابد.

توچکوف، لوبین، و ساناکا (۲۰۱۰) عوامل مؤثر بر احساس غربت را در دو نمونه از دانشجویان بین‌المللی هند و گروهی از دانشجویان سال اول در دانشگاهی در آمریکا مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آنها نشان می‌دهد که دانشجویان بین‌المللی هند به‌طور قابل توجهی سطح بالاتری از احساس غربت را نسبت به دانشجویان آمریکایی تجربه کرده و اضطراب و افسردگی با احساس غربت رابطه‌ی مستقیم دارد.

هریسون و براور (۲۰۱۱) نیز احساس غربت را به‌عنوان بخشی از شوک فرهنگی و میزانی برای سنجش سازگاری اجتماعی مورد بررسی قرار داده و تأثیر هوش فرهنگی و سرسختی روان‌شناختی در احساس غربت را در ۵۳۷ دانشجوی مشغول به تحصیل در خارج از کشور مورد مطالعه قرار دادند. نتایج مطالعه‌ی آنها نشان

می‌دهد که دانشجویان با هوش فرهنگی قوی و زمینه‌ی اطلاعاتی قبل از اقامت، سازگاری مناسب‌تری با بافت فرهنگی داشته و در نتیجه، احساس غربت کمتری را تجربه می‌کنند.

هندریکسون، روزن، و اونه (۲۰۱۱) هم در بررسی شبکه‌های دوستی، ارتباط اجتماعی، احساس غربت و سطح رضایت دانشجویان بین‌المللی بین ۸۶ دانشجوی دانشگاه هاوایی به این نتیجه رسیدند که آن دسته از دانشجویان بین‌المللی که بیشتر در شبکه‌های دوستی بودند، به صورت معناداری سطح بالاتری از رضایت‌مندی و سطح پایین‌تری از احساس غربت را گزارش کرده‌اند.

در کنار احساس غربت، چالش‌های سازگاری در جمعیت دانشجویی مورد توجه بوده و پژوهش‌های متعددی روی این متغیر صورت گرفته است. مالاکلونته و سلان (۲۰۱۱) در بررسی مسائل سازگاری دانشجویان بین‌المللی مشغول به تحصیل در مؤسسات آموزش عالی مالزی به این نتایج رسیدند که شش دسته از مشکلات سازگاری برای این گروه وجود دارد: سازگاری دانشگاهی (مرتبط با وضعیت دوره‌ها، امکانات و کیفیت آموزشی) در رتبه اول، سازگاری مذهبی (مربوط به دین و مذهب) در رتبه دوم، و بعد از آن، به ترتیب، سازگاری شخصی (مرتبط با مشکلات سلامتی و احساسات)، سازگاری اجتماعی (مربوط به رابطه با دانشجویان بومی و مشکلات ارتباطی که در محیط اطراف مواجه می‌شوند)، سازگاری مالی و سازگاری زبانی قرار دارد.

ابینگر (۲۰۱۱) با هدف بررسی سطوح سازگاری اجتماعی دانشجویان بین‌المللی، ۶۲ دانشجو را در قالب دو گروه دانشجویان بین‌المللی و دانشجویان آمریکایی مورد بررسی قرار داده است و سه سطح سازگاری اجتماعی پایین، متوسط و بالا براساس پرسش‌نامه‌ی انطباق با دانشگاه^۱ در این پژوهش برای هر گروه تعریف کرده است. نتایج پژوهش او نشان می‌دهد که سطح سازگاری اجتماعی متوسط در دانشجویان آمریکایی بیشتر از گروه دیگر است و سطح سازگاری اجتماعی کم هم در دانشجویان بین‌المللی بیشتر است. بر همین اساس، تفاوت معناداری قابل توجهی بین این دو گروه دیده می‌شود. در مجموع، از ۶۲ شرکت‌کننده، ۴۱/۹ درصد سازگاری اجتماعی پایین، ۵۴/۸ درصد سازگاری اجتماعی متوسط و ۳/۲ درصد سازگاری اجتماعی بالا داشتند.

مصطفی و ایلپاس (۲۰۱۳) در پژوهشی رابطه‌ی بین عوامل سازگاری با سازگاری میان‌فرهنگی را در دانشجویان بین‌المللی مشغول به تحصیل در مالزی بررسی کرده و دریافتند که بین سازگاری میان‌فرهنگی و جنسیت رابطه‌ی معناداری وجود ندارد و این نتیجه نشان می‌دهد که هیچ تفاوت معناداری در فرایند سازگاری میان دانشجویان بین‌المللی دختر و پسر وجود ندارد.

^۱. Adaptation to College Questionnaire (ACQ)

نیپال اوتلو (۲۰۱۰) در مطالعه‌ی خود بر روی ۱۷۰ دانشجوی بین‌المللی در ترکیه به این نتیجه رسیده است که سازگاری اجتماعی توسط متغیرهای استرس فرهنگ‌پذیری، مهارت‌های مقابله‌ای مثبت و فاصله‌ی فرهنگی پیش‌بینی می‌شود. در حالی که جنسیت، مهارت‌های مقابله‌ای منفعل و حمایت اجتماعی نقش پیش‌بینی‌کننده نداشتند. همچنین، سازگاری با استرس فرهنگ‌پذیری و فاصله‌ی فرهنگی همبستگی منفی، و با مهارت‌های مقابله‌ای ارتباط مستقیم دارد.

چن و چن (۲۰۰۹) سازگاری دانشجویان بین‌المللی را از لحاظ علمی، اجتماعی و فرهنگی در تایوان مورد بررسی قرار داده‌اند و به این نتیجه رسیدند که دانشجویان بین‌المللی از لحاظ سازگاری اجتماعی وضعیت طبیعی داشته و این نشان‌دهنده‌ی آن است که این گروه به داشتن روابط بین‌فردی مناسب دست یافته و قادر به سازگاری صحیح اجتماعی هستند.

فریتز، چین، و دمارینیس (۲۰۰۸) برای مطالعه‌ی عوامل استرس‌زا، اضطراب فرهنگ‌پذیری و سازگاری در میان دانشجویان بین‌المللی و آمریکای شمالی، ۲۴۶ نفر از دانشجویان را بررسی کرده و در بخشی از نتایج خود مطرح می‌کنند که در مقایسه‌ی دانشجویان بین‌المللی و دانشجویان آمریکایی هیچ تفاوت معناداری از نظر اضطراب و سازگاری اجتماعی بین این دو گروه مشاهده نشده است.

سیگولارووا (۲۰۰۵) نیز مطرح می‌کند که سازگاری اجتماعی دانشجویان بین‌المللی با فاصله‌ی فرهنگی در ارتباط است. فاصله‌ی فرهنگی یعنی تناقض بین فرهنگ مبدأ و فرهنگ میزبان. یکی از نظریاتی که توسط پژوهشگران مطرح شده این است که افراد با تجربه‌ی فاصله‌ی فرهنگی بیشتر به احتمال زیادتری در طول انتقال میان فرهنگی تغییرات شدید را تجربه کرده و در نتیجه، استرس و مشکلات ناسازگاری روانی و اجتماعی دارند. به‌طور مثال، پژوهشی نشان داده است که دانشجویان بین‌المللی در انگلستان که از مناطق فرهنگی مشابهی آمده بودند نسبت به دانشجویانی که از لحاظ فرهنگی شباهت کمتری داشتند، مشکلات اجتماعی کمتری را تجربه کرده بودند (فورنهام و بوچنر، ۱۹۸۲؛ نقل از سیگولارووا، ۲۰۰۵).

آراجو (۲۰۱۱) نیز در مطالعه‌ای مروری درباره‌ی مقالات مرتبط با مسائل سازگاری دانشجویان بین‌المللی در آمریکا به بررسی ۲۱ مقاله در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۰ پرداخته است و نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که تسلط به زبان انگلیسی، حمایت اجتماعی، مدت اقامت، تبعیض و تعصب ادراک شده، روابط با میزبان و احساس غربت، با سازگاری دانشجویان با دانشگاه مرتبط هستند.

۳. مبانی نظری

در این بخش به بررسی احساس غربت، سازگاری اجتماعی و پیشینه‌ی مطالعات انجام‌شده روی این دو مقوله پرداخته می‌شود.

۱.۳. احساس غربت^۱

احساس غربت یک پدیده‌ی کهن است که حتی در افسانه‌های قدیمی در زمان خروج ادیسه و هومر ذکر شده است. بقراط بر این باور است که احساس غربت به سبب افزایش صفرای سفید و سیاه در خون ایجاد می‌شود. در حال حاضر مفهوم واضح‌تری از احساس غربت، علت، موانع و درمان آن وجود دارد (توربر و والتون، ۲۰۰۶).

احساس غربت، ناراحتی یا آسیب روانی ناشی از جدایی واقعی یا پیش‌بینی‌شده از خانه و محیط اجتماعی است. نشانه‌ی شناختی آن اشتغال فکری درباره‌ی خانه و موضوعات دل‌بستگی است. افراد مبتلا معمولاً ترکیبی از علائم افسردگی، اضطراب، و رفتار انزواگرانه را گزارش می‌کنند (توربر و والتون، ۲۰۱۲).

یافته‌های پژوهش‌ها نشان می‌دهند که سه مجموعه نشانه برای احساس غربت وجود دارد: «نشانه‌های بدنی» مانند مشکلات معده‌ای روده‌ای، سردرد، بی‌اشتهایی و اختلال خواب؛ «نشانه‌های شناختی» شامل افکار وسواسی در مورد خانواده، ناتوانی در تمرکز بر فعالیت‌های روزانه، ارزیابی منفی از محیط جدید و افکار آرمانی درباره‌ی محیط قبلی؛ و «نشانه‌های عاطفی» که مشابه نشانه‌های مربوط به اختلال‌های خلقی و اضطرابی مخصوصاً احساس افسردگی است (بشارت، فرهادی، و گیلانی، ۱۳۸۵).

برخی از پژوهشگران احساس غربت را در قالب پنج عامل از دست دادن خانواده، از دست دادن دوستان، احساس تنهایی، مشکلات سازگاری و اشتغال فکری درباره‌ی خانه مطرح کرده‌اند (کگل، ۲۰۰۹). دهمین طبقه‌بندی بین‌المللی بیماری‌ها^۲ احساس غربت را به‌عنوان یک واکنش شبه افسردگی نسبت به ترک محیط آشنا در نظر می‌گیرد که با تفکرات مکرر در مورد خانه و بازگشت به محیط آشنا مشخص می‌شود (یورلینکه-بونتکه، براورز، ورچر و دایوجنس، ۱۹۹۸). مطابق طبقه‌بندی انجمن روان‌پزشکی آمریکا^۳ (۱۹۹۴) احساس غربت شدید بهتر است به‌عنوان اختلال سازگاری همراه با اضطراب و خلق افسرده طبقه‌بندی شود. همچنین، احساس غربت می‌تواند با دیگر مشکلات رفتاری، هیجانی، شناختی و جسمانی که نیازمند توجه بالینی است، همراه باشد (توربر و والتون، ۲۰۰۶). از نظر برخی، احساس غربت باید به‌عنوان یک نوع بیماری جسمی در نظر گرفته شود؛ زیرا با توجه به شواهد دارای علائم محسوس فیزیکی، شناختی و رفتاری است و افراد مبتلا از درد معده، روده، کمبود خواب، سردرد، احساس خستگی و اختلالات تغذیه‌ای شکایت می‌کنند و این مدعا توسط پژوهشگران بسیاری تأیید شده است (پولای، ۲۰۱۲).

1. homesickness

2. International Statistical Classification of Diseases and Related Health Problems

3. American Psychiatric Association (=APA)

احساس غربت با پدیده‌هایی مانند اضطراب جدایی، افسردگی، دلتنگی، تنهایی، اختلال انطباقی و استرس فرهنگ‌پذیری^۱ و سوگ^۲ مشابه و در بعضی موارد متفاوت است. به‌عنوان مثال، یک تمایز مهم بین احساس غربت و اضطراب جدایی^۳ که اختلالی بالینی است، این است که احساس غربت پس از بازگشت فرد به خانه فروکش می‌کند در حالی که افراد مبتلا به اضطراب جدایی پس از بازگشت هم از اضطراب رنج می‌برند (ویلیس و همکاران، ۲۰۰۳).

برخی از پژوهشگران احساس غربت را «سوگ کوتاه» که به علت انتقال و سازگاری با محیط جدید و بدون منابع و راهبردهای مقابله‌ای تبدیل به یک رویداد استرس‌زا می‌شود، در نظر گرفته‌اند. همچنین به تازگی احساس غربت به‌عنوان یکی از عوامل استرس‌زای فرهنگ‌پذیری مؤثر بر افرادی که انتقال بین‌فرهنگی را تجربه می‌کنند، مورد مطالعه قرار می‌گیرد (وی، هینر، مالن، کو، یو-سین لیائو، و وو، ۲۰۰۷). مطابق دیدگاه این پژوهشگران، استرس فرهنگ‌پذیری شامل ناراحتی روانی و جسمانی ناشی از تجربه‌ی فرهنگ جدید است. در این پژوهش‌ها احساس غربت در ساختن مقیاس‌های اندازه‌گیری استرس فرهنگ‌پذیری مانند مقیاس استرس فرهنگ‌پذیری دانشجویان بین‌المللی^۴ به‌عنوان یک عامل مؤثر به کار رفته است (یه و اینوس، ۲۰۰۳).

۲.۲.۳. انگاره‌های نظری احساس غربت

انگاره‌های احساس غربت توسط فیشر (۱۹۸۹؛ نقل از پولای، ۲۰۱۲) رشد یافته است که مشابه انگاره‌ی لاین (۱۹۸۶) در مورد اختلال روانی-اجتماعی در مهاجران اجباری است. فیشر پنج انگاره درباره‌ی راه‌هایی که احساس غربت بر افراد دور از خانه به‌طور معمول اثر می‌گذارد، بیرون کشیده است.

۱.۲.۳. انگاره‌ی فقدان و وابستگی^۵

در این انگاره فرض بر این است که جدایی شخص از شبکه‌های اجتماعی و فرهنگی‌اش منجر به احساس فقدان می‌شود که گاهی اوقات این احساس فقدان به احساس غم، خشم و اضطراب تبدیل می‌شود. در صورت پایدار بودن، احساس فقدان تشدید شده منجر به بی‌عاطفگی و درماندگی می‌شود. عواقب دیگر در این انگاره این است که به تناسب وابستگی به یک موقعیت، احساس غربت بر افراد اثر گذاشته و به نوبه‌ی خود منجر به افسردگی و ترس از مکان‌های باز^۶ می‌گردد.

1. acculturation stress

2. grief

3. separation anxiety

4. acculturative stress scale for international students

5. loss and attachment model

6. agoraphobia

۲.۲.۳. انگاره‌ی انقطاع و ناپیوستگی^۱

این انگاره بر این مبنا قرار دارد که تجربه‌ی شکست در مسیر افراد، زندگی و امور روزمره‌ی آنها را به یک عامل استرس‌زای مهم تبدیل کرده و منبع هیجانات منفی از قبیل ترس، اضطراب و پریشانی می‌شود. چون شالوده‌های زندگی واقعی فرد شکسته می‌شود، فرد توانایی خود را از دست می‌دهد. به منظور زیستن در محیط جدید نیز فرد نیازمند این است که بلافاصله یا در آینده‌ی نزدیک سازگاری‌های مهمی با محیط به دست آورد. روند طولانی سازگاری در افراد، ترس، اضطراب و افسردگی را ایجاد کرده و تا حد زیادی مانع موفقیت حرفه‌ای و اجتماعی آنها می‌شود.

۳.۲.۳. انگاره‌ی کاهش کنترل شخصی^۲

در افراد جابجا شده، کنترل روی محیط جدیدی که به آن وارد شده‌اند، وجود ندارد. در بسیاری از موارد، فرد فاقد مکانیسم‌های مقابله‌ای لازم برای سازگار شدن با شرایط اجتماعی، فرهنگی و روانی جدیدی است که به‌عنوان نیروهای تهدیدکننده و مخالف ادراک می‌شوند. بارت (۱۹۹۳) بر همین مبنا این دیدگاه را مطرح می‌کند که ایجاد احساس غربت به دلیل تحت کنترل نبودن محیط میزبان است.

۴.۲.۳. انگاره‌ی تغییر و انتقال^۳

بر مبنای این انگاره افراد مجبور هستند، انجام نقش‌های جدید که آنها را قادر به زندگی و هماهنگی با محیط میزبان می‌کند، بپذیرند. انتقال به خصوص بین از دست دادن نقش‌ها و عادات قدیمی و پذیرفتن همتای آنها، استرس‌زا است. این مورد در رفتار زنان و مردان مهاجر دیده می‌شود. پژوهش‌های متنوعی نیز که توسط سازمان‌های مختلف صورت گرفته است، نشان می‌دهد برخی از مردان مهاجر نسبت به انجام وظایف خانه مانند آشپزی بی‌میل بوده (به دلیل این که در فرهنگ اصلی خود این کارها را وظایف زنان می‌دانستند) و برخی زنان مهاجر هم تمایل کمی به کار کردن با همکاران مرد داشتند (به این دلیل که مخالف دین یا فرهنگ آنان بوده است).

1. interruption and discontinuity model

2. reduced personal control model

3. change and transition model

۵.۲.۲. انگاره‌ی تعارض^۱

این انگاره بر این مبنا است که یک تعارض ادراک شده یا بالقوه در خود فرد وجود دارد. از یک طرف فرد جابجا شده اراده می‌کند یا مجبور می‌شود طریقه‌ی جدیدی برای نگرستن و برخورد با زندگی و کارها بیاموزد و از طرف دیگر، نوعی مقاومت در بخشی از فرد برای هم‌ساز شدن با جریان تغییرات غیر قابل برگشت و غیر قابل کنترل، دیده می‌شود.

۳.۳. عوامل خطر ساز احساس غربت

از دیدگاه توربر و والتون (۲۰۰۶) عوامل خطر ساز احساس غربت در چهار دسته‌ی تجربه‌ی شخصی، شخصیت، خانواده و نگرش تقسیم‌بندی می‌شوند که بدین شرح هستند:

عامل تجربه‌ی شخصی: در مطالعات روی کودکان در اردوهای تابستانی و مدارس شبانه‌روزی، عامل

تجربه بیش از همه پیش‌بینی‌کننده‌ی احساس غربت در کودکانی بوده است که تجربه‌ی کمی در دور از خانه بودن داشته یا اصلاً نداشته‌اند. همچنین، یافته‌ها نشان می‌دهد نوع تجربه‌های جدایی قبلی به تجربه‌های جدایی آینده نیز اثر می‌گذارد، بدین صورت که اگر در جدایی اولیه تجربه‌ی منفی وجود داشته باشد، جدایی‌های آینده نیز منفی تجربه می‌شوند که خود زمینه‌ساز احساس غربت است. تجربه از این جنبه که شیوه‌های مقابله‌ای را تصحیح می‌کند، ارزشمند است.

عامل نگرش: باور این است که احساس غربت زمانی بیشتر تجربه خواهد شد که همراه با برداشت

اولیه‌ی منفی و انتظارات کم از محیط جدید باشد. در واقع، داشتن انتظار احساس غربت شدید و تجارب منفی در محیط جدید در قالب پیشگویی‌های خودکام‌بخش^۲ عمل می‌کنند.

عوامل شخصیتی: رابطه‌ی دلبستگی ناایمن با مراقبان اولیه شایع‌ترین عامل خطر در ارتباط با احساس

غربت است؛ به خصوص در کودکان و نوجوانان با سبک دلبستگی دوسوگرا-مضطرب^۳ که به احتمال زیاد اضطراب قابل توجهی دور از خانه تجربه می‌کنند. این نوجوانان درباره‌ی میزان مثبت و قابل اعتماد بودن پاسخ مراقبان^۴ در برابر پریشانی آنها اطمینان ندارند. این عدم اطمینان می‌تواند پریشانی زیادی را در محیط اجتماعی جدید با مراقبان جایگزین به وجود آورد. در مقابل، دلبستگی ایمن، با تمایل به اکتشاف، استقلال و مهارت‌های اجتماعی قوی همراه است و به افراد برای سازگاری با محیط جدید کمک می‌کند. دو عامل

1. conflict model

2. self-fulfilling

3. anxious-ambivalent attachment style

4. caregivers

شخصیتی دیگر که احساس غربت را افزایش می‌دهند، ادراک کنترل پایین در طول زندگی یا در زمان جدایی و اضطراب یا افسردگی ادراک شده در ماه‌های قبل از جدایی است. در بزرگسالان صفات خودهدایت‌گری پایین^۱، اجتناب از آسیب بالا^۲، انعطاف‌ناپذیری^۳ و سبک مقابله‌پندار آرزومندانه^۴ پیش‌بینی‌کننده‌ی احساس غربت هستند. البته این نتایج را نمی‌توان به کودکان و نوجوانان تعمیم داد.

عوامل خانوادگی: کنترل تصمیم پایین^۵، از پیش‌بینی‌کننده‌ترین عوامل خانوادگی احساس غربت است. وقتی والدین فرد را مجبور به گذراندن زمانی دور از خانه می‌کنند، کودک یا نوجوان کنترل بر تصمیم پایین را احساس می‌کند که در نتیجه به احتمال زیادتری احساس غربت را بعد از جدایی تجربه خواهند کرد. عوامل دیگر در این دسته که پیش‌بینی‌کننده‌ی ضعیف‌تری هستند عبارتند از مراقبانی که در مورد جدایی اضطراب داشته و آن را بیان می‌کنند؛ به‌طور مثال: من نمی‌دانم بدون تو چه کار کنم؟ و وجود یک رویداد منفی حل نشده در زندگی فرد.

۴.۳. سازگاری اجتماعی^۶

دومین متغیری که در این پژوهش بررسی می‌شود سازگاری اجتماعی است. سازگاری ابعاد مختلف جسمانی، روانی، اجتماعی و اخلاقی دارد که سازگاری اجتماعی در رأس همه قرار می‌گیرد و پیش‌درآمد رسیدن به سازگاری‌های روانی، اخلاقی و جسمانی نیز هست (مظاهری، باغبان، و فاتحی‌زاده، ۱۳۸۵). سازگاری اجتماعی انعکاسی از تعامل فرد با دیگران، رضایت از نقش‌های خود و نحوه‌ی عملکرد در نقش‌ها است که به احتمال زیاد تحت تأثیر شخصیت قبلی، فرهنگ و انتظارات خانواده قرار دارد (خدایاری‌فرد، ۱۳۸۵). از آنجا که سازگاری اجتماعی مفهوم عام و گسترده‌ای است و تعریفی وجود ندارد که مورد اتفاق نظر اکثریت پژوهشگران باشد، در ادامه به چند نمونه از تعریف‌های ارائه شده توسط پژوهشگران مختلف اشاره خواهد شد.

برخی پژوهشگران، سازگاری اجتماعی را مترادف با مهارت اجتماعی می‌دانند. از نظر آنها مهارت اجتماعی عبارت است از توانایی ایجاد ارتباط متقابل با دیگران در زمینه خاص اجتماعی، به طریق خاص که در عرف جامعه قابل قبول و ارزشمند باشد. در حالی که برخی دیگر سازگاری و مهارت اجتماعی را فرایندی

1. low self-directedness

2. high harm avoidance

3. rigidity

4. wishful-thinking coping style

5. low decision control

6. social adjustment

می‌دانند که افراد را قادر می‌سازد تا رفتار دیگران را درک و پیش‌بینی، رفتار خود را کنترل، و تعاملات اجتماعی خود را تنظیم نمایند (زکی، ۱۳۸۹).

در دیدگاه دیگر، سازگاری اجتماعی بر این ضرورت متکی است که نیازها و خواسته‌های فرد با منافع و خواسته‌های گروهی که در آن زندگی می‌کند هماهنگ و متعادل شود و تا حد امکان از برخورد و اصطکاک مستقیم و شدید با منافع و ضوابط گروهی جلوگیری به عمل آید (اسلامی نسب، ۱۳۷۳).

بروان (۱۹۶۵؛ نقل از خدایاری فرد، ۱۳۸۵) سازگاری اجتماعی را جریانی می‌داند که توسط آن، روابط میان افراد، گروه‌ها و عناصر فرهنگی در وضع رضایت‌بخشی برقرار باشد. به عبارت دیگر، روابط میان افراد و گروه‌ها طوری برقرار شده باشد که رضایت متقابل آنها را فراهم سازد.

به نظر سالیوان (۱۹۷۵؛ نقل از خدایاری فرد، ۱۳۸۵) در جریان سازگاری اجتماعی، موضوع ارتباط فرد با افراد دیگر مطرح می‌شود. در این جریان، برخورد انگیزه‌ها و خواسته‌های فرد با ضروریات زندگی گروهی نمایان می‌شود. دینگرا، مانها، و تاخور (۲۰۰۵) نیز اساس سازگاری اجتماعی را به وجود آوردن تعادل بین خواست‌های خود و انتظارات اجتماع می‌دانند که می‌تواند بر تمام ابعاد زندگی فرد تأثیر بگذارد.

۱.۴.۳. مسائل سازگاری در دانشجویان

انتقال به دانشگاه اغلب برای بسیاری از افراد دارای موقعیت‌های استرس‌زا است. دانشجویان در محیط جدید دانشگاه با تقاضاهای متعدد اجتماعی، علمی و روابط اجتماعی بینافردی جدیدی روبه‌رو می‌شوند که هر کدام از آنها می‌تواند برای اغلب افراد وضعیت‌های استرس‌زایی ایجاد کند. آنها باید اشکال جدید روابط اجتماعی را فرا گیرند، روابط متقابل مناسبی برحسب شرایط جدید دانشگاه با خانواده و دوستان برقرار کنند، مهارت‌ها و شیوه‌های یادگیری و مطالعه‌ی متناسب با محیط‌های یادگیری واقعی دانشگاهی را بیاموزند و در مجموع، به مثابه‌ی فردی مستقل و خودمختار بتوانند وظایف‌شان را (مانند چگونگی تنظیم وقت و صرف هزینه) به خوبی ایفا نمایند (زکی، ۱۳۸۹).

سازگاری دانشجویان با محیط دانشگاه یکی از سطوح سازگاری محسوب می‌شود و پیش‌بینی‌کننده‌ی موفقیت آنان در دانشگاه است. در بین جمعیت دانشجویی، سازگاری در دانشجویان بین‌المللی دشوارتر است، چون باید با چالش‌های دوگانه‌ای کنار بیایند؛ مانند هر دانشجوی ورودی به دانشگاه، نیاز به انطباق با زندگی دانشگاهی داشته و در عین حال با استرس فرهنگ‌پذیری نیز مواجه هستند (وانگ و هانس، ۲۰۱۴). تسانگ و نیوتن (۲۰۰۹؛ نقل از دون استیل، ۲۰۰۸) مشکلات کلیدی سازگاری دانشجویان بین‌المللی را در چهار دسته خلاصه کرده‌اند. دسته‌ی اول، سازگاری عمومی^۱، دسته‌ی دوم سازگاری فرهنگی-اجتماعی^۲،

1. general living adjustment

2. socio-cultural adjustment

دسته‌ی سوم، سازگاری فردی-روانی^۱، دسته‌ی چهارم سازگاری علمی یا تحصیلی^۲ است. سازگاری عمومی شامل سازگاری با آب و هوا، سیستم حمل و نقل، مراقبت‌های بهداشتی، تغذیه، مسکن، نظم و ارتباط با مراکز حمایتی است. سازگاری اجتماعی-فرهنگی اشاره به تجربه‌ی شوک فرهنگی، تبعیض، برخورد با ارزش‌های جدید، هنجارها و آداب و رسوم دارد. موضوع سازگاری فردی-روانی را افسردگی، احساس تنهایی، احساس انزوا، احساس غربت و ناامیدی تشکیل می‌دهد. سازگاری علمی هم در برگیرنده‌ی مشکلات دانشجویان با یادگیری در نظام آموزشی جدید، عدم تسلط بر زبان و دستیابی به شیوه‌های یادگیری جدید است.

طبق نظریه‌ی اوبرگ (۱۹۶۰؛ نقل از دون استیل، ۲۰۰۸) فرد چهار مرحله را در سازگاری میان فرهنگی و گذر از شوک فرهنگی پشت سر می‌گذارد. این چهار مرحله در برگیرنده‌ی واکنش‌های احساسی مربوط به فرایند سازگاری است؛ مرحله‌ی ماه عسل^۳ که با شور و هیجان اولیه، کنجکاو و اشتیاق به خاطر ورود به محیط تازه مشخص می‌شود؛ مرحله‌ی بحران^۴ که با احساس بی‌کفایتی، سرخوردگی، خشم، اضطراب و افسردگی مشخص می‌شود؛ مرحله‌ی بازیابی^۵ که فرد در این مرحله قادر به عملکرد بهتر در محیط جدید به خاطر حل کردن احساسات خود و یادگیری‌های فرهنگی جدید می‌شود؛ و مرحله‌ی آخر مرحله‌ی سازگاری است که فرد قادر به لذت بردن و عمل کردن به‌طور شایسته در محیط و فرهنگ جدید است. نکته‌ی قابل توجه در این مراحل آن است که همه‌ی افراد این مراحل را به‌طور کامل پشت سر نمی‌گذارند و ممکن است برخی بعد از گذر از یک مرحله، دوباره به آن بازگردند.

سیگولارووا (۲۰۰۵) نیز اعتقاد دارد که سازگاری اجتماعی دانشجویان بین‌المللی با فاصله‌ی فرهنگی در ارتباط است. فاصله‌ی فرهنگی یعنی تناقض بین فرهنگ مبدأ و فرهنگ میزبان. یکی از نظریاتی که توسط پژوهشگران مطرح شده این است که افراد با تجربه‌ی فاصله‌ی فرهنگی بیشتر به احتمال زیادتری در طول انتقال میان فرهنگی تغییرات شدید را تجربه کرده و در نتیجه، استرس و مشکلات ناسازگاری روانی و اجتماعی خواهند داشت. به‌طور مثال، پژوهشی نشان داده است که دانشجویان بین‌المللی در انگلستان که از مناطق فرهنگی مشابهی آمده بودند نسبت به دانشجویانی که از لحاظ فرهنگی شباهت کمتری داشتند، مشکلات اجتماعی کمتری را تجربه کرده بودند (فورنهام و بوچنر، ۱۹۸۲؛ نقل از سیگولارووا، ۲۰۰۵).

1. personal-psychological adjustment

2. academic adjustment

3. honeymoon stage

4. crisis stage

5. recovery stage

با توجه به آنچه گفته شد، مسائل سازگاری دانشجویان بین‌المللی متنوع بوده و از دید پژوهشگران دربرگیرنده‌ی دسته‌بندی‌های متفاوتی است، اما آنچه در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد، سازگاری اجتماعی دانشجویان بین‌المللی است که رفتارهایی از قبیل تمایل به شرکت در جشن‌ها و محافل اجتماعی، مجالس سخنرانی، داشتن تمایل به رهبری گروه، عدم احساس شرم در برخورد با افراد غریبه، شرکت در فعالیت‌های گروهی، دوست شدن با افراد دیگر، ابزار عقیده در جمع، رنج نبردن از کم‌رویی و دستپاچه نشدن در مجالس عمومی را در برمی‌گیرد.

۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع میدانی-کاربردی محسوب می‌شود که هدف اصلی آن افزایش حیطه آگاهی و دانش است. از لحاظ روش می‌توان آن را در مدل پیمایشی و همبستگی قرار داد. از جهت بررسی وضعیت فارسی‌آموزان غیرایرانی در دو مقوله‌ی احساس غربت و سازگاری با مدل پیمایشی سازگار است و در خصوص بررسی رابطه‌ی دو متغیر با مدل همبستگی همخوانی دارد.

۱.۴. پرسش‌ها و فرضیه‌های پژوهش

پرسش‌های اصلی این پژوهش عبارتند از:

- ۱) فارسی‌آموزان غیرایرانی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(۵) تا چه اندازه احساس غربت می‌کنند؟
- ۲) فارسی‌آموزان غیرایرانی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(۵) به چه میزان از سازگاری اجتماعی برخوردارند؟

علاوه بر پرسش‌های اصلی، این پژوهش سه فرضیه‌ی اصلی نیز دارد که عبارتند از:

- ۱) بین میزان احساس غربت در فارسی‌آموزان غیرایرانی دختر و پسر تفاوت وجود دارد.
- ۲) بین میزان سازگاری اجتماعی در فارسی‌آموزان غیرایرانی دختر و پسر تفاوت وجود دارد.
- ۳) بین احساس غربت و سازگاری اجتماعی در فارسی‌آموزان غیرایرانی رابطه وجود دارد.

۲.۴. گردآوری داده‌ها

در این پژوهش از فرم فارسی دو پرسش‌نامه‌ی احساس غربت ون ولیت (۲۰۰۱) و خرده‌مقیاس سازگاری اجتماعی پرسش‌نامه‌ی سازگاری بل (۱۹۶۱) استفاده شده است. از آنجا که همه در حال یادگیری زبان فارسی به‌عنوان زبان دوم بودند به منظور تسهیل در درک و پاسخ‌گویی به پرسش‌ها، پرسش‌نامه‌ها به زبان انگلیسی نیز ترجمه شد و بعد از آن به صورت آزمایشی روی ۲۳ فارسی‌آموز مرکز آموزش زبان فارسی به اجرا درآمد. در نهایت، با ورود پاسخ‌ها به نرم‌افزار اسپاس‌اس نسخه ۲۰، پایایی مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج آلفای کرونباخ نشان داد که این دو پرسش‌نامه از پایایی خوبی برخوردار هستند؛ با این حال، به منظور بالاتر بردن آلفای کرونباخ، بعضی از پرسش‌ها حذف شد. همچنین، به منظور تسهیل در پاسخ‌گویی، واژه‌های دشوار در برخی از پرسش‌ها طبق نظر متخصص آموزش زبان فارسی، حذف، و از واژه‌های آسان‌تری استفاده شد و در نهایت، در پژوهش اصلی پرسش‌نامه‌های اصلاح شده به کار گرفته شد.

۳.۴. جامعه‌ی آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه‌ی آماری این پژوهش را تمام فارسی‌آموزان غیرایرانی مشغول به تحصیل در مرکز آموزش زبان فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(۵) که حداقل مدت ۲ ماه از تحصیل‌شان می‌گذشت، تشکیل می‌دهند. نمونه‌ی آماری این پژوهش شامل ۱۷۸ فارسی‌آموز است که از این تعداد ۱۴۳ نفر پسر و ۳۵ نفر دختر هستند. نمونه‌گیری به روش تصادفی طبقه‌ای صورت گرفته است. در جدول (۱) آزمودنی‌های پژوهش براساس کشور و جنسیت تفکیک شده‌اند و در جدول (۲) میانگین سنی و مدت اقامت آنها در ایران ارائه شده است.

جدول ۱. آزمودنی‌های شرکت‌کننده در پژوهش به تفکیک زبان، کشور و جنسیت

گروه	نام کشور	دختر	پسر	مجموع	درصد حضور براساس کشور
فارسی‌آموزان غیرایرانی	بحرین	۲	-	۲	۰/۸
	سوریه	۱۹	۵۷	۷۶	۳۱/۳
	فلسطین	۱	۹	۱۰	۸/۲
	عراق	۳	۱۷	۲۰	۱۲/۵۸
	لبنان	۲	۲۸	۳۰	۴/۱
	یمن	۴	۲۳	۲۷	۱۱/۱
	چین	۴	۹	۱۳	۵/۳
	مجموع	۳۵	۱۴۳	۱۷۸	۱۰۰

جدول ۲. میانگین سنی و مدت اقامت آزمودنی‌ها

متغیر	کمترین	بیشترین	میانگین
سن فارسی‌آموزان غیرایرانی به سال	۱۸	۴۰	۲۲/۹۳
مدت اقامت فارسی‌آموزان غیرایرانی به ماه	۲	۱۷	۵/۸۹

۴.۴. ابزارهای پژوهش

در این پژوهش، از دو پرسش‌نامه‌ی احساس غربت ون ولیت و سازگاری بل استفاده گردید که در ادامه، توضیحات مختصری درباره‌ی آنها ارائه می‌شود.

۱.۴.۴. پرسش‌نامه‌ی احساس غربت

فرم اصلی این پرسش‌نامه ۴۵ سؤال و ۵ عامل (خرده‌مقیاس) دارد که توسط ون ولیت (۲۰۰۱؛ نقل از اژه‌ای و همکاران، ۱۳۸۷) ساخته شده است. فرم فارسی این پرسش‌نامه توسط اژه‌ای و همکاران (۱۳۸۷) در ایران هنجاریابی شده است. این فرم ۳۶ پرسش داشته و ۵ عامل را در بر می‌گیرد که عبارتند از: «دلتنگی برای خانواده»، «میل برگشت به زادگاه»، «مشکل سازگاری»، «احساس تنهایی»، و «دلتنگی برای افراد و محیط‌های آشنا». نمره‌گذاری پرسش‌ها براساس مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت انجام می‌گیرد. بدین ترتیب که آزمودنی با انتخاب هر یک از گزینه‌های هرگز، کمی، متوسط، زیاد و خیلی زیاد به ترتیب ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ نمره کسب می‌کند. این پرسش‌نامه سه پرسش تکمیلی نیز دارد که دو پرسش نخست، فروانی تجربه‌ی احساس غربت را در موقعیت کنونی و در گذشته، و پرسش دیگر شدت احساس غربت را می‌سنجد. ضریب آلفای کرونباخ در نمونه‌ی ۴۳۹ نفری ون ولیت برای هر یک از عوامل بالا به ترتیب عبارتند از: ۰/۸۵، ۰/۸۷، ۰/۸۸ و ۰/۸۰، که همگی نمایانگر ثبات درونی بالای پرسش‌نامه هستند.

۲.۴.۴. پرسش‌نامه‌ی سازگاری بل

این پرسش‌نامه در سال ۱۹۶۱ توسط بل تدوین گردیده است و دارای پنج مؤلفه‌ی «سازگاری در خانه»، «سازگاری شغلی»، «سازگاری تندرستی»، «سازگاری عاطفی» و «سازگاری اجتماعی» است. کل آزمون دارای ۱۶۰ پرسش است و به هر پرسش با انتخاب یکی از سه گزینه‌ی بله، خیر یا نمی‌دانم پاسخ داده می‌شود. در این آزمون، تنها پاسخ بله یا خیر امتیاز می‌گیرد و براساس جدول هنجار شده به گزینه‌ی انتخابی، عدد صفر یا یک تعلق می‌گیرد. نمره‌ی سازگاری فرد برابر با مجموع امتیازهایی است که از تمام پرسش‌ها به دست آمده است. علاوه بر نمره‌ی کل می‌توان نمره‌های سازگاری فرد را در هر یک از ابعاد سازگاری محاسبه نمود که نشان‌دهنده‌ی میزان سازگاری فرد در آن بُعد است. در این پژوهش از خرده‌مقیاس سازگاری اجتماعی استفاده می‌شود که ۳۲ پرسش دارد. نمره‌ی بالاتر در این پرسش‌نامه بیانگر سازگاری اجتماعی بالاتر است. بل ضرایب اعتبار را برای خرده‌مقیاس‌های سازگاری در خانه، سازگاری بهداشتی، سازگاری اجتماعی، سازگاری عاطفی، سازگاری شغلی و برای کل آزمون به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۸۸، ۰/۹۱، ۰/۸۵ و ۰/۹۴ گزارش کرده است (فتحی آشتیانی و داستانی، ۱۳۹۱).

۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این بخش از پژوهش، داده‌های به دست آمده با استفاده از نرم‌افزار اسپاس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و نتایج در دو بخش تقسیم‌بندی و ارائه شده است. در بخش اول، نتایج بررسی پایایی پرسش‌نامه‌های پژوهش، و در بخش دوم، یافته‌های پژوهش ارائه شده است.

۱.۵. پایایی پرسش‌نامه‌ها

در این بخش نتایج آلفای کرونباخ دو پرسش‌نامه‌ی اصلی این پژوهش در اجرای نهایی در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول ۳. مقدار آلفای کرونباخ پرسش‌نامه‌ی احساس غربت و خرده‌مقیاس‌ها، و پرسش‌نامه‌ی سازگاری اجتماعی در اجرای نهایی

پرسش‌نامه‌ها	عامل (خرده‌مقیاس) ^۱	تعداد پرسش‌ها	آلفای کرونباخ
احساس غربت	دلتنگی برای خانواده	۱۰	۰/۷۹
	میل بازگشت به وطن	۹	۰/۷۴
	مشکل سازگاری	۸	۰/۶۷
	دلتنگی برای افراد و محیط‌های آشنا	۴	۰/۶۳
	تمام پرسش‌ها	۳۴	۰/۸۸
سازگاری اجتماعی	تمام پرسش‌ها	۳۰	۰/۷۹

همان‌طور که نتایج ارائه شده در جدول (۳) نشان می‌دهد این دو پرسش‌نامه از پایایی مطلوبی برخوردار هستند.

۲.۵. یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش در دو بخش توصیفی و تحلیلی ارائه شده است.

^۱. خرده‌مقیاس «احساس تنهایی» بعد از محاسبه‌ی آلفای کرونباخ و بررسی سوالات ضعیف، حذف شده است.

۱.۲.۵. یافته‌های توصیفی

در بخش یافته‌های توصیفی شاخص‌های آمار توصیفی از جمله میانگین، میانه، انحراف استاندارد، حداقل و حداکثر نمره مربوط به متغیرهای پژوهش ارائه شده است. همچنین، دو پرسش اصلی این پژوهش که تعیین میزان احساس غربت و سازگاری اجتماعی در فارسی‌آموزان غیرایرانی است، مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول ۴. شاخص‌های آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در فارسی‌آموزان غیرایرانی

متغیرها	کمترین	بیشترین	میانگین	میانه	انحراف استاندارد
دلتنگی برای خانواده	۰	۴۲	۲۶/۲۴	۲۷	۷/۴۳
میل بازگشت به وطن	۲	۳۶	۱۸/۸۴	۱۸	۷/۵۹
مشکل سازگاری	۰	۳۲	۱۲/۰۲	۱۲	۶/۱۸
دلتنگی برای افراد و محیط‌های آشنا	۰	۱۹	۱۰/۲۶	۱۰	۳/۴۴
نمره‌ی کل احساس غربت	۱۸	۱۳۱	۷۵/۱۳	۷۶	۲۱/۰۸
سازگاری اجتماعی	۰	۲۵	۱۳/۲۹	۱۴	۴/۷۱

* بالاترین نمره‌ی قابل اکتساب در آزمون سازگاری اجتماعی، ۲۷ و در آزمون احساس غربت، ۱۳۶ است.

همان‌طور که نتایج جدول (۴) نشان می‌دهد، میانگین احساس غربت در این گروه، ۷۵/۱۳ و میانگین سازگاری اجتماعی، ۱۳/۲۹ است.

به منظور پاسخ به این پرسش که «فارسی‌آموزان غیرایرانی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) تا چه اندازه احساس غربت می‌کنند؟»، با استفاده از میانه ($M=76$) و انحراف استاندارد ($SD=21.08$) نقاط برش در این گروه تعیین شده و نمرات احساس غربت در سه طبقه‌ی خفیف، متوسط و شدید طبقه‌بندی شد که نتایج آن در جدول (۵) ارائه شده است.

جدول ۵. وضعیت احساس غربت فارسی‌آموزان غیرایرانی

میزان احساس غربت	فراوانی	درصد
خفیف	۳۱	۱۲/۹
متوسط	۱۲۴	۶۴/۷
شدید	۲۳	۲۲/۴

همان‌طور که نتایج جدول فوق نشان می‌دهد، ۱۲/۹ درصد از فارسی‌آموزان، احساس غربت خفیف، ۶۴/۷ درصد احساس غربت متوسط، و ۲۲/۴ درصد احساس غربت شدید را گزارش کرده‌اند.

برای پاسخ به این پرسش که «فارسی‌آموزان غیرایرانی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) به چه میزان از سازگاری اجتماعی برخوردارند؟» نیز با استفاده از میانه ($M=14$) و انحراف استاندارد ($SD=4/71$) نمرات، به سه دسته پایین، متوسط و بالا دسته‌بندی شده و فراوانی و درصد آن در جدول (۶) ارائه شده است.

جدول ۶. وضعیت سازگاری اجتماعی فارسی‌آموزان غیرایرانی

میزان سازگاری اجتماعی	فراوانی	درصد
پایین	۳۱	۲۴/۷
متوسط	۱۲۲	۶۲/۵
بالا	۲۵	۱۲/۸

همان‌طور که نتایج جدول (۶) نشان می‌دهد، ۲۴/۷ درصد از فارسی‌آموزان، سازگاری اجتماعی پایین، ۶۲/۵ درصد سازگاری اجتماعی متوسط، و ۱۲/۸ درصد سازگاری اجتماعی بالا را گزارش کرده‌اند.

۲.۲.۵. یافته‌های تحلیلی

در این بخش به آزمون فرضیه‌های اصلی پژوهش پرداخته شده است. فرضیه‌ی نخست این بود که «بین میزان احساس غربت در فارسی‌آموزان غیرایرانی دختر و پسر دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(۶) تفاوت وجود دارد». به منظور آزمون این فرضیه از آزمون تی مستقل برای مقایسه‌ی میانگین نمرات احساس غربت این دو گروه استفاده و نتایج آن در جدول (۷) ارائه شده است.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، در نمره‌ی کل «احساس غربت» و خرده‌مقیاس «دلتنگی برای خانواده» در بین فارسی‌آموزان غیرایرانی دختر و پسر تفاوت معنی‌داری وجود دارد و دختران میانگین بالاتری از پسران در «احساس غربت» و «دلتنگی برای خانواده» به دست آورده‌اند.

جدول ۷. تفاوت فارسی‌آموزان غیرایرانی دختر و پسر در احساس غربت و خرده‌مقیاس‌ها

متغیرها	گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار t	سطح معنی‌داری
احساس غربت (نمره‌ی کل)	دختر	۳۵	۷۸/۷۱	۱۸/۷۷	۱/۱۲۳	۰/۰۵
	پسر	۱۴۳	۷۴/۲۵	۲۱/۵۸		
دلتنگی برای خانواده	دختر	۳۵	۲۸/۵۷	۵/۰۹	۲/۰۹۳	۰/۰۰۷
	پسر	۱۴۳	۲۵/۶۶	۷/۸۱		
میل بازگشت به وطن	دختر	۳۵	۱۸/۵۴	۷/۰۸	۰/۲۵۵	۰/۴۹۹
	پسر	۱۴۳	۱۸/۹۱	۷/۷۳		
مشکل سازگاری	دختر	۳۵	۱۱/۷۱	۷/۰۲۳	۰/۳۲۲	۰/۱۱۸
	پسر	۱۴۳	۱۲/۰۹	۵/۹۹		
دلتنگی برای افراد و محیط‌های آشنا	دختر	۳۵	۱۰/۲۹	۳/۴۶	۰/۰۴۱	۰/۹۷۷
	پسر	۱۴۳	۱۰/۲۶	۳/۴۴		

در فرضیه‌ی دوم گفته شد که «بین میزان سازگاری اجتماعی فارسی‌آموزان غیرایرانی دختر و پسر دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(۵) تفاوت وجود دارد». به منظور آزمون این فرضیه نیز از روش آزمون تی مستقل استفاده شد و نتایج آن در جدول (۸) ارائه شده است.

جدول ۸. تفاوت فارسی‌آموزان غیرایرانی دختر و پسر در سازگاری اجتماعی

متغیر	گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار t	سطح معناداری
سازگاری اجتماعی	دختر	۳۵	۱۲/۵۷	۵/۱۸	۱/۰۰۲	۰/۳۳۴
	پسر	۱۴۳	۱۳/۴۶	۴/۵۸		

همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد هیچ تفاوت معنی‌داری در سازگاری اجتماعی بین فارسی‌آموزان غیرایرانی دختر و پسر وجود ندارد. قابل ذکر است که با توجه به عدم برقراری مفروضه‌ی همگنی ماتریس کوواریانس‌ها ($P=۰/۰۰۱$, $F=۲/۳۰۶$, $Box=۵۰/۲۷۵$) از آزمون «تحلیل واریانس چند متغیری»^۱ استفاده نشد.

۱. MANOVA

به منظور آزمون فرضیه‌ی سوم که می‌گفت «بین احساس غربت و سازگاری اجتماعی در فارسی‌آموزان غیرایرانی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(۵) رابطه وجود دارد»، از روش همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول (۹) ارائه شده است.

جدول ۹. همبستگی بین احساس غربت و خرده مقیاس‌های آن با سازگاری اجتماعی در فارسی‌آموزان غیرایرانی

سازگاری اجتماعی		متغیرها
سطح معنی‌داری (sig)	ضریب همبستگی (r)	
۰/۰۰۱	-۰/۳۰۶**	احساس غربت (نمره‌ی کل)
۰/۱۰۴	-۰/۰۹۵	دلتنگی برای خانواده
۰/۰۰۱	-۰/۲۷۲**	میل بازگشت به وطن
۰/۰۰۱	-۰/۵۱۸**	مشکل سازگاری
۰/۱۲۱	-۰/۰۸۸	دلتنگی برای افراد و محیط‌های آشنا
*P < 0/05		
**P < 0/01		

همان‌طور که نتایج ارائه شده نشان می‌دهد، بین احساس غربت (نمره‌ی کل) و خرده‌مقیاس‌های میل «بازگشت به وطن» و «مشکل سازگاری» با «سازگاری اجتماعی» در فارسی‌آموزان غیرایرانی رابطه‌ی منفی و معنی‌دار وجود دارد. بر این اساس، فرضیه‌ی سوم تأیید می‌شود.

۶. نتیجه‌گیری

تجربه‌ی مشکلات برای هر فردی با انتقال به یک مکان جدید رخ می‌دهد، اما زبان‌آموزان بین‌المللی موانع خاص و منحصر به فردی را تجربه خواهند کرد، از جمله، احساس غربت، عدم اطمینان در مورد انتظارات نقش‌های خود در کشور جدید، موانع زبانی، تفاوت‌های فرهنگی و مشکلات اجتماعی که می‌تواند مانع سازگاری با موقعیت‌های گوناگون شود. رسیدن به احساس سازگاری مثبت برای بهزیستی این زبان‌آموزان از نظر روانی و اجتماعی ضروری است. با درک بهتر از مسائل و مشکلات زبان‌آموزان بین‌المللی در محیط جدید می‌توان در جهت رسیدن به حداکثر بازدهی علمی-اجتماعی و کاهش اثرات سوء انتقال، اقدام کرد. از این‌رو، پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان احساس غربت و سازگاری اجتماعی فارسی‌آموزان غیرایرانی مرکز آموزش زبان فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(۵) صورت گرفته است. در این پژوهش، ۱۷۸ فارسی‌آموز که شامل ۳۵ دختر و ۱۴۳ پسر بودند، با استفاده از دو پرسش‌نامه‌ی «احساس غربت» و «سازگاری اجتماعی» مورد بررسی قرار گرفته و داده‌های حاصل شده به منظور پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و

فرضیه‌های اصلی پژوهش مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های این پژوهش نشان داد که ۱۲/۹ درصد از فارسی‌آموزان غیرایرانی احساس غربت خفیف، ۶۴/۷ درصد احساس غربت متوسط، و ۲۲/۴ درصد احساس غربت شدید دارند.

سموعی و همکاران (۲۰۱۳) مطرح می‌کنند که ۷۲ درصد از دانشجویان بین‌المللی دانشگاه اصفهان احساس غربت را گزارش کرده‌اند. لو (۱۹۹۰) نیز گزارش می‌دهد که ۹۴/۴ درصد از دانشجویان بین‌المللی چین در آمریکا احساس غربت را گزارش کرده‌اند و همچنین، استروب و همکاران (۲۰۰۲) در بررسی دو گروه دانشجویان هلندی و بریتانیایی احساس غربت را برای این دو گروه به ترتیب ۵۰ و ۸۰ درصد گزارش می‌کنند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که پدیده‌ی احساس غربت در دانشجویان بین‌المللی در سطوح مختلف تجربه می‌شود و از آنجا که طبق نتایج پژوهش‌های مختلف، احساس غربت با سلامت جسمانی و روانی، افسردگی، اضطراب، شکست‌های شناختی ارتباط داشته و زمینه‌ساز فرسودگی تحصیلی بوده و زبان‌آموزان غیرایرانی دانشگاه امام خمینی^(۹) نیز احساس غربت را به میزان متفاوتی تجربه کرده‌اند، نیاز به توجه بالینی برای کاهش اثرات سوء این پدیده احساس می‌شود.

از نظر سطح سازگاری اجتماعی نیز به این نتیجه رسیدیم که ۲۴/۷ درصد از فارسی‌آموزان مورد مطالعه در این پژوهش، از سازگاری اجتماعی پایین، ۶۲/۵ درصد از سازگاری اجتماعی متوسط، و ۱۲/۸ درصد از آنها از سازگاری اجتماعی بالا برخوردار بودند. چن و چن (۲۰۰۹) سازگاری دانشجویان بین‌المللی در تایوان را در مطالعه‌ی خود در سطح طبیعی و به‌هنگار گزارش می‌کنند. اینگر (۲۰۱۱) هم سازگاری اجتماعی مجموع دانشجویان بین‌المللی و آمریکایی در مطالعه‌ی خود را این گونه گزارش می‌کند که ۴۱/۹ درصد سازگاری اجتماعی پایین، ۵۴/۸ درصد سازگاری اجتماعی متوسط، و ۳/۲ درصد سازگاری اجتماعی بالا داشته‌اند. البته در این مطالعه، گروه دانشجویان بین‌المللی سازگاری اجتماعی کمتری نسبت به دانشجویان آمریکایی بومی نشان داده‌اند. از آنجا که سازگاری اجتماعی در رأس سایر ابعاد سازگاری قرار می‌گیرد و اختلال و پایین بودن آن باعث ایجاد مشکلاتی در سازش با محیط می‌شود که دانشجویان به آن وارد شده‌اند، پرداختن به آن از ضرورت بالایی برخوردار است.

یافته‌های دیگر پژوهش نشان می‌دهد که در نمره‌ی کل «احساس غربت» و خرده‌مقیاس «دلتنگی برای خانواده»، بین فارسی‌آموزان غیرایرانی دختر و پسر تفاوت معنی‌داری وجود دارد و دختران، میانگین نمرات بالاتری در این عوامل به دست آورده‌اند. این بخش از نتایج با نتایج پژوهش استروب و همکاران (۲۰۰۲) همسو است، اما با نتایج پژوهش فیشر و هود (۱۹۸۷)، یورلین-بونتکه و همکاران (۲۰۰۰) و اسکاپلیتی و تی‌بریو (۲۰۱۰) همسویی ندارد. از دلایل این تفاوت می‌تواند میل کمتر دانشجویان پسر به ابراز دلتنگی برای خانه و خانواده باشد یا این که دختران در مورد مسائل عاطفی، بیشتر خودآشکارسازی می‌کنند و

احساس غربت خود را بیشتر بیان می‌کنند. اما اسکاپیلیتی و تی‌بریو (۲۰۱۰) درباره‌ی نبودن تفاوت جنیستی در احساس غربت اعتقاد دارند که نبودن تفاوت جنیستی در میزان احساس غربت، و آسیب‌پذیری نسبت به آن در اندازه‌گیری‌های عمومی نشان داده نمی‌شود. همچنین، تفاوت ابزارهای مورد استفاده در پژوهش‌ها نیز می‌تواند دلیل دیگری باشد.

مطابق با نتایج این پژوهش بین فارسی‌آموزان غیرایرانی دختر و پسر دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(۵) تفاوت معنی‌داری از نظر سازگاری اجتماعی وجود ندارد. این نتیجه با نتایج پژوهش مصطفی و ایلیاس (۲۰۱۳) همسو است. در مطالعه‌ی نیهال‌اوتلو (۲۰۱۰) نیز جنسیت نقش پیش‌بینی‌کننده‌ای در سازگاری اجتماعی دانشجویان بین‌المللی نداشته است. به نظر می‌رسد سازگاری اجتماعی بیش از آن که با متغیر جنسیت مرتبط باشد، بر طبق پژوهش‌ها با استرس فرهنگ‌پذیری، فاصله‌ی فرهنگی، تسلط به زبان، مدت اقامت، تبعیض و تعصب ادراک شده و روابط با میزبان مرتبط باشد (آراجو، ۲۰۱۰).

نتایج آزمون فرضیه‌ی سوم با عنوان «بررسی رابطه بین احساس غربت و سازگاری اجتماعی در زبان فارسی‌آموزان غیرایرانی» نشان می‌دهد که بین نمره‌ی کل «احساس غربت» و دو خرده‌مقیاس «میل بازگشت به وطن» و «مشکل سازگاری» با «سازگاری اجتماعی» رابطه‌ی منفی و معنی‌دار وجود دارد. پژوهشی که همسو با این نتایج باشد یافت نشد. در پژوهش‌ها رابطه‌ی احساس غربت و سازگاری اجتماعی به‌طور خاص مورد توجه قرار نگرفته است و فقط هریسون و براور (۲۰۱۱) احساس غربت را سنجشی برای میزان سازگاری اجتماعی قرار داده و تأثیر هوش فرهنگی را بر آن سنجیده‌اند که نتایج آن نشان می‌دهد زمینه‌ی اطلاعاتی قوی باعث سازگاری مناسب‌تر و احساس غربت کمتر می‌شود و در خصوص ارتباط احساس غربت و سازگاری اجتماعی بررسی‌ای صورت نداده‌اند. در مورد رابطه‌ی خرده‌مقیاس «میل بازگشت به وطن» و «سازگاری اجتماعی» که رابطه‌ای منفی و معنی‌دار داشته‌اند نیز می‌توان گفت که افزایش تمایل بازگشت به وطن، احساس شکست در موقعیت فعلی و دل‌زدگی از شرایط اجتماعی و فرهنگی جدید باعث افزایش مشکلات سازش و در نتیجه، کاهش سازگاری اجتماعی می‌شود و در نهایت، همان‌طور که گفته شد، بین خرده‌مقیاس «مشکل سازگاری» و «سازگاری اجتماعی» رابطه‌ی منفی و معنادار وجود دارد و با افزایش نمره‌ی «مشکل سازگاری»، «سازگاری اجتماعی» فرد کاهش می‌یابد. در واقع، کسب نمره‌ی بالا در این خرده‌مقیاس، بیانگر دشواری در سازگاری با موقعیت جدید، احساس ناخوشایند بودن موقعیت جدید، سردرگمی، دشواری در پذیرش امور روزمره‌ی جدید، عادت کردن به رسوم و اضطراب داشتن در آن است و این مسائل می‌توانند سازگاری اجتماعی فرد را (که دربرگیرنده‌ی رفتارهایی از قبیل تمایل به شرکت در جشن‌ها و محافل اجتماعی، مجالس سخنرانی، داشتن تمایل به رهبری گروه، عدم احساس شرم در برخورد

با افراد غریبه، شرکت در فعالیت‌های گروهی، دوست شدن با افراد دیگر، ابراز عقیده در جمع، رنج نبردن از کم‌رویی و دستپاچه نشدن در مجالس عمومی است)، تحت‌الشعاع قرار دهند.

سازگاری اجتماعی و احساس غربت دو مسأله‌ی عمده در فارسی‌آموزان غیرایرانی است و نتایج این پژوهش هم نشان می‌دهد فارسی‌آموزان غیرایرانی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(۶) از نظر «سازگاری اجتماعی» در سطح متوسط و از نظر تجربه‌ی «احساس غربت» نیز در سطح بالایی قرار دارند. توجه به این دو مسأله و بررسی بیشتر آن در این گروه از فارسی‌آموزان برای پیشگیری و اقدام درمانی مناسب جهت کاهش آسیب‌های احتمالی لازم و ضروری است. این که عامل زبان نقش مهمی در کاهش مشکلات سازش و احساس غربت در فارسی‌آموزان غیرایرانی دارد نیز این ضرورت را مطرح می‌سازد که به بهبود توانایی زبانی فارسی‌آموزان توجه شود و با برنامه‌ریزی‌های آموزشی مناسب، زمینه برای تقویت ارتباط فرهنگی و اجتماعی بین فارسی‌آموزان غیرایرانی و دانشجویان ایرانی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(۶) فراهم شود.

۷. محدودیت‌ها و پیشنهادها

در پایان، به چند مورد از محدودیت‌های این پژوهش اشاره، و پیشنهادهای برای پژوهش‌های آتی مطرح می‌شود. از جمله محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به نبودن پیشینه‌ی پژوهشی داخلی، نبودن ابزار مناسب برای سنجش دقیق‌تر میزان احساس غربت و سازگاری اجتماعی، استفاده از شیوه‌ی خودگزارش‌دهی در گروه فارسی‌آموزان و در نهایت، مهارت‌های زبانی متوسط این گروه اشاره کرد. پیشنهاد می‌شود به منظور سنجش دقیق‌تر احساس غربت و سازگاری اجتماعی فارسی‌آموزان در پژوهش‌های آتی، در کنار استفاده از پرسش‌نامه، مصاحبه‌های بالینی نیز به منظور رسیدن به اطلاعات دقیق‌تر صورت پذیرد و علاوه بر جنسیت، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی دیگر همچون وضعیت اجتماعی و اقتصادی، تأهل، ملیت، نژاد، سن و فاصله‌ی جغرافیایی نیز بررسی شود؛ زیرا پژوهش‌های متعددی حاکی از ارتباط و اثر این متغیرها در احساس غربت و سازگاری اجتماعی است؛ از این‌رو، توجه به این عوامل در پژوهش‌های بعدی برای درک بهتر شرایط، ضروری می‌نماید. پیشنهاد می‌شود برنامه‌هایی برای کاهش احساس غربت و افزایش سازگاری اجتماعی در بین این گروه ترتیب داده شود؛ مانند تهیه‌ی بروشور و مجموعه‌های آموزشی در ارتباط با محیط دانشگاه، فرهنگ، آداب و رسوم، راه‌های دسترسی به مراکز بهداشتی و مشاوره‌ای، مراکز خرید، تفریح‌گاه‌ها و مراکز دیدنی شهر، برگزاری همایش‌ها یا برنامه‌های فرهنگی و تشکیل انجمن‌هایی برای ارتباط بیشتر فارسی‌آموزان غیرایرانی و دانشجویان ایرانی و تشکیل گروه‌های دوستی متشکل از کشورهای مختلف، برنامه‌ریزی مشاوران دانشگاه برای حضور در محیط‌های خوابگاهی و محل اسکان این فارسی‌آموزان و

شناسایی دقیق‌تر افرادی که به درجات شدید احساس غربت مبتلا هستند و تلاش برای ارائه‌ی خدمات درمانی مناسب‌تر به آنان.

منابع:

- اژه‌ای، ج.، دهقانی، م.، گنجوی، آ. و خداپناهی، م. ک. (۱۳۸۷). اعتباریابی پرسش‌نامه‌ی احساس غربت در دانشجویان. *مجله‌ی علوم رفتاری*، شماره ۱، صص: ۱۲-۱.
- اسلامی نسب، ع. (۱۳۷۳). *روان‌شناسی سازگاری*. تهران: نشر بنیاد.
- بشارت، م. ع.، فرهادی، م. و گیلانی، ب. (۱۳۸۵). بررسی رابطه‌ی سبک‌های دلبستگی و احساس غربت. *فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی روان‌شناسی دانشگاه تبریز*، شماره‌ی دوم و سوم، صص: ۴۷-۲۳.
- خدایاری‌فرد، م. (۱۳۸۵). *بررسی عوامل مؤثر بر سازگاری اجتماعی دانشجویان شاهد و غیرشاهد*. طرح پژوهشی با اعتبارات بنیاد شهید انقلاب اسلامی و دانشگاه تهران.
- زکی، م. ع. (۱۳۸۹). سازگاری با دانشگاه و رابطه‌ی آن با حمایت اجتماعی؛ بررسی موردی دانشجویان دختر و پسر دانشگاه اصفهان. *دوفصلنامه‌ی تخصصی پژوهش، جوانان، فرهنگ و جامعه*. شماره ۴، صص: ۱۳۰-۱۰۷.
- فتحی آشتیانی، ع. و داستانی، م. (۱۳۹۱). *آزمون‌های روان‌شناختی: ارزشیابی شخصیت و سلامت روان*. چاپ هفتم، تهران: انتشارات بعثت.
- مظاهری، ا.، باغبان، ا. و فاتحی‌زاده، م. (۱۳۸۵). تأثیر آموزش گروهی عزت نفس بر میزان سازگاری اجتماعی دانشجویان. *دوماه‌نامه‌ی علمی-پژوهشی دانشور رفتار*، سال سیزدهم، دوره‌ی جدید، شماره ۱۶، صص: ۵۶-۴۹.

Araujo, A. A. D. (2011). Adjustment Issues of International Students Enrolled in American Colleges and Universities: A Review of the Literature. *Journal of Higher Education Studies*, 1: 28. Retrieved April 17, 2014 from:

<http://www.ccsenet.org/journal/index.php/hes/article/viewFile/10726/7554>.

Bentley, J. M. (2008). *Supporting International Student Adjustment in Central Michigan University*. Retrieved May 27, 2014 from:

[https://www.cmich.edu/officeprovost/AcademicAffairs/FYE/Documents/Supporting %20Internatonal%20Student%20Adjustment .pdf](https://www.cmich.edu/officeprovost/AcademicAffairs/FYE/Documents/Supporting%20Internatonal%20Student%20Adjustment.pdf).

Burt, C. (1993). Concentration and Academic Ability Following Transition to University: An Investigation of the Effects of Homesickness. *Environmental Psychology*, 13(4): 333-342.

Retrieved September 26, 2014 from: <http://www.sciencedirect.com>.

Chataway, C. J. & Berry, J. W. (1989). Acculturation Experiences, Appraisal, Coping, and Adaptation: A Comparison of Hong Kong Chinese, French, and English Students in Canada. *Canadian Journal of Behavioral Science*, 21(3): 295-309.

- Retrieved October 15, 2014 from: <http://psycnet.apa.org/index.cfm?fa=buy.optionToBuy&id=1989-41288-001>.
- Chen, Y. F. & Chen, H. J.** (2009). *A Study on International Student Adjustment from Academic, Social and Cultural Viewpoints in Taiwan*. International Conference on Business Management and Information Technology Application. Retrieved October 15, 2014 from: <http://www.kyu.edu.tw>.
- Cigularova, D. K.** (2005). Psychosocial Adjustment of International Students. *Journal of Student Affairs*, 14: 17-25. Retrieved October 18, 2014 from: http://www.sahe.colostate.edu/Data/Sites/1/documents/journal/Journal_2004_2005.v0114/Psychosocial_Adjustment.pdf.
- Dawn Steele, K.** (2008). *Perceptions of Chinese International Students in Singapore: Adjustment Issues and Support*. Doctoral Dissertation in Philosophy. Department of Theory and Policy Studies, University of Toronto. Retrieved December 04, 2012 from: https://tspace.library.utoronto.ca/bitstream/1807/17326/1/Steele_Kelly_D_200811_PhD_Thesis.pdf.
- Dhingra, R., Manha, S. & Thakur, M.** (2005). *Establishing Connectivity of Emotional Quotient (E.Q), Spiritual Quotient (S.Q.) with Social Adjustment: A Study of Kashmiri Migrant Women*. Retrieved September 2, 2014 from: <http://www.Krepublishers.com/02-Journals/JHE/JHE-18-0-000-000-2005-Web/JHE-18-4-000-000-2005-abstPDF/JHE-18-4-313-317-2005-1359-Dhingra-R/JH>.
- Ebinger, S. E.** (2011). *International Students Perceptions of University Assistance with Their Social Adjustment*. A capstone project submitted in partial fulfillment of graduating from the Academic Honors Program. Ashland University. Retrieved October 07, 2014 from: https://etd.ohiolink.edu/!etd.send_file?accession=auhonors1323367259&disposition=inline.
- Eurelings-Bontekoe, E. H. M., Brouwers, E. P. M. & Verschuur, M. J.** (2000). Homesickness Among Foreign Employees of a Multinational High-tech Company in the Netherlands. *Environment and Behavior*, 32: 443-456. Retrieved October 21, 2014 from: <http://eab.sagepub.com/content/32/3/443.short>.
- Eurelings-Bontekoe, E. H. M., Brouwers, E., Verchuur, M. & Duijsens, I.** (1998). DSM-III-R and ICD-10 Personality Disorder Features Among Women Experiencing Two Types of Self-reported Homesickness: An Exploratory Study, *British Journal of Psychology*, 89: 405-416. Retrieved June 02, 2014 from: <http://onlinelibrary.wiley.com/doi/10.1111/j.2044-8295.1998.tb02693.x/abstract>.
- Fritz, M. V., Chin, D. & Demarinis, V.** (2008). Stressors, Anxiety, Acculturation and Adjustment Among International and North American Students. *International Journal of Intercultural Relations*, 32: 244-259. Retrieved January 30, 2014 from: <http://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0147176708000023>.

- Fisher, S. & Hood, B.** (1987). The Stress of the Transition to University: A Longitudinal Study of Psychological Disturbance, Absent-mindedness and Vulnerability to Homesickness. *British Journal of Psychology*, 78: 425-441. Available at: <http://www.ncbi.nlm.nih.gov/pubmed/34273>. 09, July 14, 2014.
- Harrison, K. J. & Brower, H. H.** (2011). The Impact of Cultural Intelligence and Psychological Hardiness on Homesickness among Study Abroad Students. *The Interdisciplinary Journal of Study Abroad*, 2: 41-62. Retrieved May 11, 2014 from: http://openaccesslibrary.org/images/BGS209_J_Kline_Harrison.pdf.
- Hendrickson, B., Rosen, D. & Aune, R. K.** (2011). An Analysis of Friendship Networks, Social Connectedness, Homesickness, and Satisfaction Levels of International Students. *International Journal of Intercultural Relations*, 35: 281-295, Retrieved April 17, 2014 from: <http://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0147176710000799>.
- Kegel, K.** (2009). *Homesickness in International College Students, Compelling Counseling, Interventions*. Retrieved September 2, 2014 from: counselingoutfitters.com.
- Longo, G. S.** (2010). *Homesickness in College Students: The Moderating Effect of Religiousness on the Relationship between Homesickness and Maladjustment*. Retrieved December 16, 2013 from: <http://scholar.lib.vt.edu>.
- Luo, L.** (1990). Adaptation to British Universities: Homesickness and Mental Health of Chinese Students. *Counseling Psychology Quarterly*, 3(3): 225-232.
- Malaklolutu, S. & Satyen Selan, P.** (2011). Adjustment Problems Among International Students in Malaysian Private Higher Education Institutions. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 15: 833-837. Retrieved June 21, 2014 from: <http://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S1877042811003739>.
- Mustaffa, C. S. & Ilias, M.** (2013). Relationship between Students Adjustment Factors and Cross-cultural Adjustment: A Survey at the Northern University of Malaysia. *Intercultural Communication Studies*, 1: 279-300. Retrieved September 28, 2014 from: <http://www.uri.edu/iaics/content/2013v22n1/19Che%20Su%20Mustaffa%20&%20Munirah%20Ilias.pdf>.
- Nihal Otlu, F.** (2010). *College Adjustment of International Students: the Role of Gender, Acculturative Stress, Coping Skills, Cultural Distance, and Perceived Social Support*. A Thesis to the graduate school of social sciences. Middle East Technical University, Turkey. Retrieved November 05, 2013 from: <http://etd.lib.metu.edu.tr/upload/12612769/index.pdf>.
- Polay, D. H.** (2012). When Home Isn't Home A Study of Homesickness and Coping Strategies Among Migrant Workers and Expatriates. *International Journal of Psychological Studies*, 4: 62-72. Retrieved April 17, 2014 from: <http://www.ccsenet.org/journal/index.php/ijps/article/download/18918/13498>.

- Poyrazli, S. & Lopez, M. D.** (2010). An Exploratory Study of Perceived Discrimination and Homesickness: A Comparison of International Students and American Students. *Journal of Psychology: Interdisciplinary and Applied*, 141(3): 263-280. Retrieved July 07, 2014 from: <http://www.ncbi.nlm.nih.gov/pubmed/17564257>.
- Sumer, S.** (2009). *International Students' Psychological and Sociocultural Adaptation in the United States*. Retrieved November 22, 2012 from: <http://scholarworks.gsu.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1033&context=cpsdiss>.
- Samouei, R., Zamani, A., Loghmani, A., Nasiri, H. & Tavakoli, M.** (2013). International Students of Isfahan University of Medical Sciences: A Survey About Their Needs and Difficulties. *Materia Socio Medica*, 25: 118-120. Retrieved August 07, 2014 from: <http://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC3769082>.
- Stroebe, M., Van Vliet, T., Hewstone, M. & Willis, H.** (2002). Homesickness Among Students in Two Cultures: Antecedents and Consequences. *British Journal of Psychology*, 93: 147-168. Retrieved June 02, 2014 from: <http://onlinelibrary.wiley.com/doi/10.1348/000712602162508/abstract>.
- Scopelliti, M. & Tiberio, L.** (2010). Homesickness in University Students: The Role of Multiple Place Attachment. *Environment and Behavior*, 42: 335-350. Retrieved May 27, 2014 from: <http://eab.sagepub.com/content/42/3/335.abstract>.
- Thurber, C. A. & Walton, E. A.** (2006). Preventing and Treating Homesickness. *Child Adolesc Psychiatric Clinics of North America*, 16: 843-858. Retrieved November 05, 2013 from: <http://pediatrics.aappublications.org/content/119/1/192.full>.
- Thurber, C. A., & Walton, E. A.** (2012). Homesickness and Adjustment in University Students. *American College Health*, 60: 1-5. Retrieved May 11, 2014 from: <http://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/07448481.2012.673520?journalCode=vach20#.VJXtq5AHAP>.
- Tochkov, K., Levine, L. & Sanaka, A.** (2010). Variation in the Prediction of Cross-cultural Adjustment by Asian-Indian Students in the United States. *College Student Journal*, 44: 677-689. Retrieved October 18, 2014 from: <http://eric.ed.gov/?id=EJ917238>.
- VanTilburg, M., Vingerhoets, A., & VanHeck, G.** (1997). Coping with Homesickness: The Construction of the Adult Homesickness Coping Questionnaire. *Personality and Individual Differences*, 22(6): 901-907. Available at: <http://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S019188699700010X>, October 19, 2014.
- Wang, H. & Hannes, K.** (2014). Academic and Socio-cultural Adjustment Among Asian International Students in the Flemish Community of Belgium: A Photo Voice Project. *International Journal of Intercultural Relations*, 39: 66-81.

Retrieved October 19, 2014 from:

<https://lirias.kuleuven.be/bitstream/123456789/377582/2/Academic+and+sociocultural+adjustment+among+Asian+international+students+in+the+Flemish+community+of+Belgium+A+photovoice+project.pdf>.

Wei, M., Heppner, P. P., Mallen, M. J., Ku, T. Y., Yu-Hsin Liao, K. & Wu, T., F. (2007). Acculturative Stress, Perfectionism, Years in the United States, and Depression Among Chinese International Students. *Journal of Counseling Psychology*, 54: 385–394, Retrieved July 05, 2014 from:

<http://wei.public.iastate.edu/manuscript/acculturative%20stress.pdf>.

Willis, H., Stroebe, M. & Hewstone, M. (2003). Homesick Blues. *The Psychologist*, 16: 526-528. Retrieved May 12, 2014 from: <http://www.psy.ox.ac.uk/publications/8754>.

Yeh, C. & Inose, M. (2003). International Students Reported English Fluency, Social Support Satisfaction, and Social Connectedness as Predictors of Acculturative Stresses. *Counselling Psychology Quarterly*, 16: 15–28. Retrieved July 05, 2014 from: <http://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/0951507031000114058>.